یادداشت روز

وقاحت برجامی اروپا زیر چکمه نفت ۱۲۰ دلاری

اعلام آمادگی سه کشـــور اروپایی (آلمان، فرانسه و انگلیس) برای «گفت‌وگو درباره برنامه هسته‌ای ایران و پرونده یمن» در جمعه اول آبان (۲۴اکتبر) در ظاهر یک حرکت دیپلماتیک تازه است؛ اما در واقع، تکرار همان الگوی بارها استفاده‌شده «فرار به جلو» در لحظه بحران انرژی و آشوب‌های اجتماعی است. اروپایی که در ماجرای برجام، از ایجاد حداقل کانال مالی (SPV) تا راه‌اندازی اینستکس، حتی یک تعهد حداقلی را عملی نکرد، امروز که با گران شدن نفت نزدیک به ۱۲۰ دلاری، اختلال در مســـیرهای راهبردی انتقال انرژی و موج تورم و اعتراضات خیابانی دست‌به‌گریبان است، به‌جای مطالبه‌گری از عامل اصلی جنگ و بحران یعنی آمریکا و سرزنش خودشـــان برای کارنامه آشکار «بی‌تعهدی»، دوباره پرونده هسته‌ای ایران را از انبار گرد و غبار بیرون کشیده تا هم افکار عمومی خود را سرگرم کنند و هم اهرم فشار جعلی برای آمریکا و رژیم صهیونیستی بسازند. این در حالی است که جمهوری اسلامی ایران مطابق تفاهم‌نامه اسلام‌آباد، به‌صراحت اعلام کرده تا زمان ایفای تعهدات واشنگتن و اروپا، موضوع هسته‌ای از دستور کار خارج است. این مسئله کاملاً ســـاده و قابل فهم است؛ توپ در زمین عهدشکنان برجام است، نه ایران اسلامی که فراتر از تعهدات برجامی و تعهدات خود در تفاهم‌نامه اسلام‌آباد عمل کرده و در هر مرحله با دشمنی آشکار آنها مواجه شده است. بازخوانی رفتار اروپا با ایران از برجام تاکنون گویای واقعیاتی است که نشان از بی‌صداقتی اروپا دارد که به بخشی از آن اشاره می‌شود.

۱- اروپـــا پس از خروج یک‌جانبه آمریکا از برجام، وعده ســـاخت «ســـازوکار ویژه مالی» (SPV) و سپس «اینستکس» را داد تا حداقل تبادلات مشـــروع مالی و نفتی ایران تسهیل شـــود. نتیجه چه شد؟ آنچه انجام شد صورت‌ســـازی حقوقی بدون کارکرد واقعی بود. حتی گزارش‌های رســـمی اروپایی نیز اذعان دارند که اینستکس جز چند تراکنش نمایشی و غیرنفتی، عملاً هیچ دستاورد اقتصادی برای ایران نداشته است. آمریکا با تحریم و تهدید، صحنه را به بن‌بست می‌کشاند و اروپا با «ژست میانجیگری» و درخواست مذاکره مجدد، زمان می‌خرد و نهایتاً هر دو در نقطه «مهار ایران» به هم می‌رســـند. امروز نیز همان الگو در حال تکرار است. واشنگتن زیر بار اصلاح خطای راهبردی خود (رفع تحریم و ارائه تضمین عملی) نمی‌رود و پایتخت‌های اروپایی هم، با تکرار کلیدواژه «بازگشـــت به گفت‌وگو»، می‌کوشند هزینه سیاسی بحران انرژی و اعتراضات داخلی را به خارج منتقل کنند. در سند برجام با همه اشکالات آن، طرف‌های اروپایی متعهد به تسهیل تجارت، بیمه، کشـــتیرانی و خرید نفت ایران شده بودند. این در حالی بود که نه‌تنها خرید نفت از سوی اروپا به صفر رسید، بلکه بانک‌ها و بیمه‌های اروپایی با کوچک‌ترین تهدید تحریمی آمریکا عقب نشستند. امروز که بازار انرژی به تنگنا خورده و نفت ۱۱۷ دلاری را تجربه می‌کنند و عن‌قریب است نفت بالای ۱۳۰ دلاری اشک مقامات متکبر اروپایی را درآورده و با بحران بدون مهار سوخت روبه‌رو شوند، همان کشورها به‌جای عذرخواهی و اجرای تعهد، پرونده هسته‌ای را مطرح می‌کنند تا امتیاز بگیرند بی‌آنکه هزینه بدهند. این همان تقسیم کاری است که آمریکا و اروپا با هم کرده‌اند.

۲- جهش قیمت نفت تا حوالی ۱۲۰ دلار، محصول چند عامل هم‌زمان است: تحریم‌های سیاسی، کسری سرمایه‌گذاری در صنعت نفت غرب، ریسک‌های امنیتی مسیرهای انتقال انرژی و جنگ‌های نیابتی آمریکا علیه ثبات منطقه. اروپا که ســـال‌ها به‌جـــای قراردادهای بلندمدت و سرمایه‌گذاری مطمئن، به بازی سیاسی-مالی با انرژی عادت کرده بود، اکنون تاوان «سیاست‌زدگی» در تأمین انرژی را می‌پردازد. تنگه هرمز و باب‌المندب دو شـــریان حیاتی تجارت انرژی و کالا هستند و هرگونه افزایش ریسک در این شریان‌ها، بلافاصله در قیمت و بیمه کشتیرانی منعکس می‌شود. در ماه‌های اخیر، زیر آتش متقابل یمنی‌ها علیه ائتلاف متجاوز سعودی و حامیان غربی آن، باب‌المندب با ناامنی شدید که در نتیجه رفتارهای نابخردانه سعودی‌ها برای فشار چندساله به مردم مظلوم یمن بوده، مواجه است و این پیامی روشن به پایتخت‌هایی است که سال‌ها از تجاوز به یمن حمایت سیاسی و تسلیحاتی می‌کنند. دنیای غرب باید بپذیرد که امروز معادله میدانی منطقه با دهه قبل کاملاً تفاوت پیدا کرده است. محور مقاومت از یمن تا لبنان و عراق، نه یک «متغیر مزاحم»، که یک «فاعل بازدارنده» است. فشار به ایران بدون محاسبه ظرفیت پاسخ منطقه‌ای، خطای محض است؛ پاسخ‌هایی که الزامی ندارد مستقیم باشد که حتماً پاسخ‌های غیرمستقیم مؤثر و هم‌افزا خواهند بود.

۳- افزایش هزینه انرژی، رشد تورم، فشار بر صنایع انرژی‌بَر و کوچک شدن ســـفره طبقه کارگر و متوسط، خیابان‌های اروپا را اکنون مملو از تجمعات صنفی و سیاســـی کرده است که انفجار آن را در خیابان‌های فرانسه و دیگر کشورهای اروپایی شـــاهدیم. وعده «امنیت رایگان» زیر چتر ناتو، بـــه قبض‌های نجومی انـــرژی و تعطیلی خطوط تولید ترجمه شده اســـت. این نارضایتی انباشته، سیاستمداران را به «سوژه جایگزین» محتاج کرده اســـت؛ و چه ســـوژه‌ای مناسب‌تر از «پرونده هسته‌ای ایران» برای مصرف رسانه‌ای و منحرف کردن نگاه از بی‌کفایتی داخلی دولت‌های اروپایی؟ دولت‌هایی که در آزمون ساده وفای به عهد (SPV و INSTEX) شکست خوردند، چگونه می‌خواهند در آزمون‌های بزرگ‌تر، خود را شریک قابل اعتماد جلوه کنند؟ این پرسش در محافل اقتصادی اروپا هم مطرح اســـت؛ وقتی یک دولـــت اروپایی نمی‌تواند بانک‌هایش را به تراکنش‌های مشروع و قانونی با ایران قانع کند، از کدام «توان تضمین» برای گفت‌وگو با ایران حرف می‌زند؟

۴- ایران به‌صراحت گفته است که شرط لازم برای هر گفت‌وگویی، انجام عملی تعهدات آمریکا و اروپاســـت و تا این شرط عملیاتی نشود موضوع هسته‌ای از دستور کار خارج اســـت. معنای این گزاره روشن است: اول، رفع واقعی تحریم‌ها در عمل؛ دوم، ارائه تضمین معتبر برای تکرار نشدن خروج یک‌جانبه؛ سوم، عادی‌سازی کانال‌های بانکی و نفتی و چهارم جبران خسارت‌های چندساله ایران و محکومیت متجاوزان به خاک ایران در مجامع بین‌المللی. بدون این موارد، هر مذاکره‌ای تکرار تئاتر بی‌فرجام خواهد بود. تجربه سال ۲۰۱۸ به بعد نشان داد هر توافقی که «ضمانت‌ناپذیر» باشد، ذاتاً ناپایدار است. ایرانِ امروز قواعد بازی را به زبان صریح بیان کرده است. اروپایی‌ها اگر واقعاً به دنبال امنیت انرژی و ثبات منطقه‌اند، راه آن از «اجرای تعهدات معوق» می‌گذرد، نه تولید دستورکارهای فرعی و وقت تلف‌کننده!

۵- حمایت غرب از جنگ علیه یمن، نه‌تنها فاجعه انســـانی آفرید، بلکه تجارت جهانی را به ریســـک مزمن مبتلا کرد. بازگشـــت امروز اروپـــا به «گفت‌وگو درباره یمن با ایران»، اعتراف ضمنی به شکســـت راهبرد جنگ‌افروزی اســـت. راه‌حل واقعی، قطـــع حمایت از تجاوز، پذیرش حق یمنی‌ها در امنیت و حاکمیت و رفع محاصره انسانی است و هر راه دیگری جز این، در واقع استمرار هزینه‌ها برای اروپا و متحدانش خواهد بود. هرگاه غرب درک کند که امنیت انرژی و کشـــتیرانی بدون امنیت انسان‌ها در منطقه مقدور نیست، آنگاه باب‌المندب و هرمز امن خواهند شـــد. این گزاره، نسخه بومی «امنیت متقابل» است، نه امنیت یک‌طرفه‌ی سفارشی برای مصرف صنایع کشورهای اروپایی.

۶- اروپـــا اگر واقعاً دغدغه انرژی و ثبـــات اقتصاد خود را دارد، از پرونده هســـته‌ای به‌عنوان سپر رســـانه‌ای فاصله بگیرید و به اجرای تعهدات معوق بازگردد. باز کردن واقعی کانال‌های بانکی و نفتی ایران، نه لطف، که جبران عقب‌ماندگی حقوقی و اقتصادی ملت ایران است که تاکنون با خباثت سران سه کشور اروپایی عملی نشده است. اروپایی‌ها اگر می‌خواهند انرژی آنها تأمین و از سرمای زمستان نجات یابند و باک خودروهای شهروندانشان را پُر و صنایع آنها با کمبود انرژی مواجه نشود، شایسته است از دهلیز ارسال سلاح به منطقه به دهلیز انجام تعهدات خود برگردانند، آنگاه خواهند دید که تنگه هرمز و باب‌المندب نیز آرام می‌گیرد. برای جمهوری اسلامی ایران استمرار سیاست شفاف اعلام‌شده در تفاهم‌نامه اسلام‌آباد، یعنی تقدم «اقدام عملی و راستی آزمایی‌شده» بر «مذاکره نمادین و تصنعی»، کلید مدیریت صحنه است.

بنابراین می‌توان گفت؛ اروپا امروز نه از سر قدرت، که از سر استیصال و اضطرار به میدان «گفت‌وگو» بازگشته است. اضطراری که اسمش «نفت گران، تنگه‌های ناامن و خیابان‌های مملو از مردم خشمگین» است. در چنین صحنه‌ای، هر که تعهدش را نقد کند، برنده اســـت؛ هر کس که کماکان‌السابق به بازی «قول بی‌پشتوانه» برگردد، بازنده خواهد بود. چرا که ایران تکلیف را روشن کرده است؛ اول انجام تعهدات، بعد گفت‌وگو. این نه یک شعار، بلکه قاعده‌ای است که جمهوری اسلامی ایران پس از دو جنگ در یک سال و پرداخت هزینه‌های سنگینی همچون شهادت امام عزیز امت و فرماندهان دلیر و دانشمندان بزرگ و کودکان و شهروندان مظلوم خود به آن رسیده است.

حسن رشوند

گزارش خبری تحلیلی کیهان

نفت ۱۱۷ دلاری آغاز راه است
زیر و روی خلیج فارس در تیررس ایران

سرویس سیاسی-

پیام صریح نفت ۱۱۷ دلاری به اتاق‌های فکر واشـــنگتن و تل‌آویو این اســـت که ایران با قـــرار دادن تمام شـــریان‌های اقتصادی و زیســـتی در تیررس اهداف خود، تهدیدات پوشالی ترامپ و نتانیاهو را به یک کابوس فرساینده تبدیل کرده است.

در آستانه رقابت‌های انتخاباتی در ایـــالات متحده و ســـرزمین‌های اشغالی، دو ابرجنایتکارِ مفسد یعنی ترامـــپ و نتانیاهـــو دوز لفاظی‌ها و خطونشـــان‌های تکراری خود علیه جمهوری اســـلامی ایـــران را به اوج رسانده‌اند. بنیامین نتانیاهو، قصاب غـــزه، کمـــاکان از خـــواب و خیال «ســـرنگونی حکومت ایران» سخن می‌گویـــد و دونالد ترامپ، کاســـب تحریم و جنگ، مدعی «تمام کردن کار ایران» می‌شود؛ لفاظی‌هایی که بیش از آنکه متکی بر واقعیات روی زمین باشد، ناشی از هراس شدید از فشار افکار عمومی، رقبا و بحران‌های ساختاری داخلی است.

اما این اولین باری نیســـت که دشـــمن آمریکایـــی صهیونی، وعده یکسره کردن کار را می‌دهند. ترامپ و اتاق‌های فکر واشنگتن پیش‌تر نیز در جریان نبـــرد رمضان لاف ناچیز شـــمردن توان دفاعی ایران و پایان چندروزه کار را سر داده بودند، اما با برخورد به صخره سختِ مقاومت ملت مبعوث و نیروهای مسلّح قهرمان، له شدند. اکنون نیز معتقدان به سراب تهدید بایـــد بدانند ایران اســـلامی برخلاف تصورات دشمن، دست‌بسته نخواهد بـــود و در رویارویی جدید، نه‌تنها موازنه را به نفع خود بازتعریف می‌کند، بلکه با رو کردن شگفتانه‌های دفاعی و دکترین جدید خود، دامنه درگیری را به نقاطی گسترش خواهد داد که دشـــمن حتی فکر آن را هم نمی‌کند!

بلوف‌های ترامپ قمارباز و عبور نفت از مرز ۱۱۷ دلار

تهدیدهای توخالی واشـــنگتن و تل‌آویو بیش از آنکه یک اســـتراتژی باثبات نظامی باشد، مانوری سیاسی در انباشت بحران‌های داخلی است. در حالی که شبکه «سی‌ان‌ان» مدعی آماده‌ســـازی طرح‌های حمله شدید و ســـناریوهایی همچون به‌کارگیری بمب‌های ســـنگین موسوم به «مادر همه بمب‌ها» برای عقبراندن ایران شده و شبکه ۱۲ رژیم صهیونیستی نیز تـــلاش می‌کند جو جنگی ایجاد کند، واقعیت‌های بازار جهاد اقتصادی سیلی محکمی به گوش ترامپ زده است.

تارنمای آمریکایی «لاتین‌تایمز» در تحلیل منطقی خود اذعان می‌کند که ادعاهـــای پیروزمندانـــه ترامپ قمارباز در گردهمایی‌ها صرفاً کارکرد انتخاباتـــی دارد و پیامدهای واقعی سیاست‌های واشنگتن اکنون با هر بار پر کردن باک بنزین در جایگاه‌های ســـوخت سراسر آمریکا توسط مردم حس می‌شـــود. توقف کشـــتی‌های متخلـــف و ســـوپرنفتکش‌ها با آتش موشـــک‌ها در تنگـــه هرمز و جهش بی‌ســـابقه بهای نفت برنت به بالای ۱۱۷ دلار در هر بشکه ثابت کرد که این تازه «آغاز راه» است.

همان‌طـــور که خبرنگار ارشـــد بی‌بی‌ســـی معتـــرف شـــد، ایـــران حساب‌شـــده و مرحله‌به‌مرحلـــه با بهره‌گیری از ابزارهای راهبردی خود، معادلات انتخاباتی آمریکا و صهیون را زیر ضربه قرار داده است.

شگفتانه‌های ما....

دکتریـــن آفنـــدی ایـــران در رویارویـــی جدید، تســـلط کامل بر تمام ابعـــاد ژئوپلیتیک خلیج‌فارس اســـت. رویترز در گزارشی بر اساس آمارهای مرکز پژوهش‌های واشنگتن افشـــا کرد که تنها در طول یک ماه، بیـــش از ۲۸ مـــورد عملیات مهار و برخورد با شـــناورها و نفتکش‌های متخلف در تنگه هرمز صورت گرفته که مجموع ایـــن اقدامات را از زمان آغاز تجاوزات دشـــمن به ۱۱۳ مورد رســـانده اســـت. در حقیقـــت تمام دنیـــا دارد هزینـــه اقتصادی جنگی را می‌پردازد که آمریکا مســـئولیت اصلی آغـــاز آن را بر عهـــده دارد و اکنون جریان نفت، گاز، پتروشیمی، تجـــارت کالا و ســـرمایه‌گذاری در سراسر منطقه زیر سایه پاسخ صریح ایران قرار گرفته است.

اما ایـــن همه ماجرا نیســـت و شگفتانه‌های ایران ابعادی به‌مراتب گســـترده‌تر دارد؛ به‌طوری‌که امروز تمام ابعاد زیستی و ارتباطاتی دشمن، اعـــم از زیـــر و روی خلیج‌فارس در تیررس موشـــکی ایران قرار گرفته است. اخطار و هشدار صریح مسئولان ارشد نظامی کشور، از جمله سرلشکر رضایی، پرده از فاز جدیدی از بانک اهـــداف ایـــران برداشـــت. آمریکا و متحدانش در منطقه بیش از دو هزار میلیارد دلار زیرساخت گران‌قیمت شامل کابل‌های فیبر نوری زیردریا، دیتاسنترها و مراکز هوش مصنوعی مستقر کرده‌اند.

همان‌گونـــه که شـــبکه الجزیره هشـــدار داد، نزدیک بـــه ۸۰ درصد جریان اینترنـــت جهانی و تبادلات دیتای بین‌المللی در تیررس مستقیم ایـــران قـــرار دارد. فلج کـــردن این رگ‌هـــای حیاتـــی دیجیتال در پهنه اعماق دریـــا و انهدام مراکز داده در کنار مهار ســـوپرنفتکش‌ها بر سطح آب، نشـــان می‌دهد نیروهای مسلح ایران تســـلط کامل بـــر زیر و روی خلیج‌فارس دارنـــد و هزینه هرگونه حماقت را برای غرب با ضریب نجومی افزایش خواهند داد.

بانک اهداف به‌روز شده است!

در سناریوی یک رویارویی فراگیر و بدون خط قرمز، بانک اهداف ایران فراتر از اســـتحکامات شناخته‌شده نظامـــی رفته و گره‌هـــای حیاتی و شریان‌های زیســـتی طرف مقابل را نشـــانه خواهد رفت. در حوزه انرژی و پالایشـــگاهی، تأسیســـات شرکت عظیـــم آرامکو، میـــدان نفتی بقیق و پایانـــه رأس‌تنوره در عربســـتان، مجتمع گازی حبشـــان و پالایشگاه الرویس متعلق به شـــرکت ملی نفت ابوظبـــی (ADNOC)، میدان‌های گازی استراتژیک «لویاتان» و «تامار» بـــه همـــراه پالایشـــگاه‌های حیفا و اشـــدود در ســـرزمین‌های اشغالی، مجتمـــع گاز طبیعی مایع راس‌لفان و میـــدان گازی شـــمال در قطر، و پالایشگاه‌های الزور، میناءالاحمدی و میناءعبـــدالله در کویت و .... تماماً در دایره آتش موشک‌های ایران قرار دارند.

در حوزه زیرساخت‌های حیاتی آب، بـــرق و حمل‌ونقل نیز دســـت ایران کاملاً باز اســـت. تأسیســـات آب‌شـــیرین‌کن «سورک» و «هدرا» در اسرائیل، «طویله» و «جبل‌علی» در امـــارات، «جبیـــل» و «رابغ» در عربســـتان، «ام‌الحـــول» و «رأس ابوفنطـــاس» در قطـــر، و «الزور» و «دوحـــه غربی» در کویـــت در کنار نیـــروگاه هســـته‌ای براکـــه امارات، نیروگاه‌های اوروت رابین و روتنبرگ اســـرائیل جنایتـــکار و نیروگاه‌های الصبیه و الزور جنوبی کویت همگی شـــریان‌های زیســـتی متخاصمین محسوب می‌شوند.

همچنین شریان‌های حمل‌ونقلی از جمله بنادر استراتژیک جبل‌علی، خلیفـــه، حیفـــا، اشـــدود و حمد و فرودگاه‌هـــای بین‌المللـــی دبـــی، بن‌گوریون، حمد، ملک عبدالعزیز و ملک خالد، بخش دیگری از این بانک اهداف گسترده را تشکیل می‌دهند که ضربه به آن‌ها شـــیرازه اقتصادی متجاوزان را از هم خواهد پاشید.

انبارهای خالی واشنگتن و بازآرایی خیره‌کننده توان موشکی ایران

تحلیل موشـــکافانه رسانه‌های غربی حاکی از آن اســـت که آمریکا نه‌تنها توان وارد شـــدن به یک نبرد فرسایشـــی را ندارد، بلکـــه ذخیره انبارهای تسلیحاتی‌اش به ته رسیده اســـت. بر اساس اســـناد فاش‌شده از مرکـــز مطالعـــات بین‌المللـــی و راهبـــردی (CSIS)، موجـــودی موشک‌های رهگیر «پاتریوت» ارتش آمریکا در سراســـر جهان به کمتر از ۸۲۷ فروند و موشـــک‌های ســـامانه «تاد» بـــه حدود ۲۷۸ فروند کاهش یافته اســـت؛ ناپایداری وحشتناکی که با ظرفیت تولید محدود ســـالانه شرکت‌های اسلحه‌سازی نظیر لاکهید مارتین که طرح رســـاندن تولید آن به ۲۰۰۰ فروند برنامه‌ای هفت‌ساله اســـت، در کوتاه‌مـــدت جبران‌پذیر نیست.

همچنین روزنامه «واشـــنگتن پست» در گزارش تحقیقی اختصاصی خود با بررســـی بیش از ۱۰۰ تصویر ماهـــواره‌ای و داده‌هـــای راداری اعتـــراف کرد کـــه در جریان جنگ ۴۰روزه، دســـت‌کم ۲۲۸ ســـازه یا قطعه تجهیزات نظامـــی آمریکا در ۱۵ پایـــگاه منطقه‌ای نابود شـــده یا آســـیب جدی دیده‌انـــد و زخم‌های ناشـــی از آن حملات موشکی هنوز ترمیم نشده‌اند.

در نقطه مقابل، نیروهای مسلح دلاور ایران توان موشـــکی و پهپادی خود را بر پایه درس‌های به‌دست‌آمده بازآرایی کرده‌اند. اکنون بخش بزرگی از پرتابگرهـــای ســـوخت جامد در پایگاه‌هایـــی مســـتقرند کـــه بخش زیادی از توان اطلاعاتی دشـــمن را بـــرای یافتن آن‌هـــا گرفته و در بازه زمانی زیر ۱۵ دقیقه آماده شـــلیک می‌شوند. سرجنگی‌های هدایت‌پذیر مانوردهنده در فاز نهایی مسیر فرود را به‌صورت غیرقابل پیش‌بینی تغییر می‌دهند تـــا مانع از قفـــل راداری ســـامانه‌های تاد و پاتریوت شوند و ترکیب امواج پروازی موشـــک‌های کـــروز، ســـرجنگی‌های بارشـــی و پهپادهـــا به‌گونه‌ای طراحی شـــده کـــه خطـــوط پدافندی دشـــمن را پیش از رســـیدن موشک‌های اصلی دچار خطا و کمبود شـــدید ذخیره رهگیر کنـــد. هرچند «پدر بمب‌ها» نیـــز منتظر «مادر بمب‌ها» اســـت!

نظمی نو در خلیج‌فارس

به گزارش بانک جهانی، اختلال در تنگـــه هرمز بزرگ‌ترین شـــوک تاریخ بـــازار نفت را رقم زده و باعث ســـقوط ۱۰ میلیون بشکه‌ای عرضه روزانه نفت در بازارهای جهانی شده است. این شوک عظیم، فدرال رزرو آمریـــکا را در یک «تله سیاســـتی» تاریخـــی و نابودکننده گرفتار کرده اســـت؛ به‌طوری‌که کاهش نرخ بهره برای حمایت از رشد اقتصادی، تورم انرژی را شـــعله‌ورتر می‌ســـازد و از ســـوی دیگر، افزایش نرخ بهره برای مهار تورم، بازار سهام و اوراق قرضه آمریکا را هم‌زمان زیر فشار فروپاشی قرار می‌دهد. در چنین تله‌ای اعتبار سیاســـت‌گذار فرسوده شده و همان مکانیزم بحران‌ساز دهه ۱۹۷۰ فعال می‌گردد.

این همان بن‌بســـتی اســـت که ســـید عبـــاس عراقچی، وزیـــر امور خارجه کشـــور نیز بدان اشاره کرد؛ جایی که آمریکا تنها در ســـه سال گذشـــته ۱۱ میلیـــارد دلار از محل مالیـــات مردم خـــود را صرف دفاع موشـــکی از رژیـــم صهیونیســـتی کرده اســـت، رابطـــه‌ای یک‌طرفه و پرهزینـــه که بـــار آن مســـتقیماً بر دوش مالیات‌دهنـــدگان آمریکایـــی قرار دارد. جریـــان خودباخته‌ای که سیاست ایران در قبال تنگه هرمز را نکوهش می‌کنند باید بدانند مسئله فقط بـــاز ماندن یک آبراه نیســـت، بلکه مسئله، ســـاختن نظمی است که در آن امنیت برای همه باشـــد، نه امتیازی برای برخی و محرومیتی برای دیگران.

حمله به ایران هزینه بالایی دارد

امروز ژئوپلیتیک قدرتمند ایران در غرب آسیا به نقطه تثبیت رسیده اســـت. روزنامه «واشنگتن‌پســـت» به‌درســـتی متوجه شـــده که ایرانِ در این نبرد فرسایشـــی هدف کاملاً روشـــنی دارد: ایجـــاد نظم جدیدی مبتنـــی بـــر دریافـــت عـــوارض از کشـــتی‌های عبـــوری از تنگه هرمز و قطـــع پیوندهای امنیتـــی آمریکا با کشـــورهای عربـــی خلیج‌فارس. تصمیمات شـــتاب‌زده ترامپ برای اعـــزام ناوهای جدید یـــا تهدید به ازســـرگیری بمباران‌هـــا هرگز این اهـــداف راهبـــردی را تغییر نخواهد داد.

زورگویان غربی و سگ هار آن‌ها در منطقه بایـــد بدانند خلیج‌فارس دیگر حیاط‌خلوت آن‌ها نیست. زیر و روی خلیج فارس، از سوپرنفتکش‌ها و پایانه‌های نفتی گرفته تا کابل‌های فیبر نوری و دیتاســـنترهای دو هزار میلیـــارد دلاری زیر دریـــا، همگی در تیـــررس دقیق نیروهای مســـلح جمهـــوری اســـلامی ایـــران قـــرار دارند. چنانچـــه ترامپ و نتانیاهو به لافزنی‌هـــا و تهدیدهای خود ادامه دهنـــد، نفـــت ۱۱۷ دلاری تنها گام نخســـت یک فروپاشـــی دومینووار برای اقتصـــاد غرب خواهـــد بود و هزینـــه هرگونـــه تجاوزگری جدید، بـــا ضریب بالایی بـــه آن‌ها تحمیل خواهد شد.

خبر ویژه

تطهیر ترامپ توسط مدعیان اصلاحات و مقصرنمایی ایران

جواد امام سخنگوی جبهه اصلاحات ایران اخیرا اظهار داشته که «وضعیت روابط ایران و آمریکا حســـاس و سرنوشت‌ساز و بسیار نگران‌کننده شده است و خطر تشـــدید تنش‌ها را نمی‌توان نادیده گرفت. متأسفانه، ما در استفاده بموقع و مؤثر از فرصت‌های دیپلماسی، بارها فرصت‌سوزی کرده‌ایم. در چنین شرایطی، هر تصمیم شتاب‌زده یا هر فرصت ازدست‌رفته می‌تواند هزینه‌های سنگینی برای کشور به همراه داشته باشد.»

البتـــه اظهـــارات اینچنینی را افـــرادی پیش از وی همچون غلامحســـین کرباســـچی، حسین مرعشـــی و محمدجواد ظریف مطرح کرده بودند، از قراین ســـخنان این افراد مشخص می‌شود که آنها مقصود و منظور واقعی‌شان تسلیم شـــدن در برابر آمریکا اســـت؛ چرا که هیچ انسان آزاده، عادل و عاقلی وقتی که دوبار در حین مذاکره کشورش توسط آمریکا و اسرائیل مورد حمله قرار می‌گیرد؛ توپ را در زمین مسئولان خود نمی‌اندازد.

با وجود این، مذاکرات با قاتلان فرشته‌های میناب و امام شهید در پسا جنگ رمضان ادامه پیدا کرد که منتج به توافق اسلام آباد شد؛ اما باز هم شیطان بزرگ خلف وعده کرد و کریدوری جدید برای عبور کشتی‌های مدنظر قرارداد تا مؤلفه قدرت ایران یعنی تنگه هرمز کم اثر و یا حتی بی‌اثر شـــود که البته این طرح به شکست مفتضحانه‌ای انجامید. در چنین شرایطی که دشمن به وضوح خلف وعده کرده اســـت باز هم غربگرایان مقصر و مسبب را حاکمیت ایران می‌دانند نه دولت تروریستی آمریکا و رژیم کودک‌کش اسرائیل.

حتی آقای پزشـــکیان بـــه عنـــوان رئیس‌جمهور و رئیس شـــورای عالی امنیـــت ملی نیـــز اخیر تأکیـــد کرده که «ما داشـــتیم گفت‌وگـــو می‌کردیم، ایـــن نامردهـــا آمدند و قاعده و بـــازی را به هم زدند.». با این حال مشـــخص نیســـت چگونه و بـــا چه معیار عقلانـــی و منطقی برخی مدعیـــان اصلاحات، جمهوری اســـلامی ایـــران را متهم به فرصت‌ســـوزی دیپلماتیـــک می‌کنند!

یا شـــاید نمی‌خواهنـــد به صراحت بگوینـــد که منظورشـــان از مذاکره و فرصت‌سوزی‌ها تسلیم‌شدن در برابر آمریکاست.

خبرنگار رسانه معاند: ایران از ابتدای جنگ حساب‌شده و سیستماتیک عمل کرده است

اظهارات اخیر سیاوش اردلان، خبرنگار ارشد بی‌بی‌سی فارسی، درباره نحوه پیشـــروی ایران در جنگ با اســـرائیل و آمریکا و همچنین اظهارات سخنگوی ســـپاه درباره اهداف جدید، از جمله کابل‌های اینترنتی متصل‌کننده آســـیا به اروپا، بحثی مهم را پیش کشـــیده است: آیا تهران در حال بازی مرحله‌به‌مرحله با هدف تأثیرگذاری بر معادلات انتخاباتی و اقتصادی است؟

این خبرنگار رسانه معاند در ادامه می‌گوید: ایران از ابتدای جنگ حساب‌شده و سیستماتیک عمل کرده است؛ هم در جنبه نظامی و هم در جنبه اقتصادی و فشار به دشمن. در سطح نظامی، الگوی رفتاری تهران در سال‌های اخیر بیشتر بر «مدیریت تنش» و «پاسخ‌های مرحله‌ای» استوار بوده تا جنگ تمام‌عیار.

در سطح اقتصادی، افزایش حملات به نفتکش‌ها و تنش در مسیرهای دریایی می‌تواند به‌عنوان ابزار فشار و سیگنال‌دهی به بازار نفت تلقی شود. نزدیک شدن به انتخابات آمریکا و تحولات سیاســـی اســـرائیل، ارزش چنین سیگنال‌هایی را برای تهران افزایش می‌دهد؛ زیرا هر افزایش قیمت نفت می‌تواند بر دستور کار انتخاباتی و هزینه‌های سیاسی دولت آمریکا اثر بگذارد.

در حوزه نظامی نیز بســـیاری از رسانه‌های غربی اذعان داشته‌اند که ذخایر موشـــک‌های رهگیـــر ناکارآمد آمریکا رو به اتمام بـــوده و آمریکا توان مقابله با پهپادهای ارزان قیمتِ و کارآمد ایرانی را ندارد.

واشـــنگتن معمولاً به دنبال راهکار کوتاه‌مدت، برق‌آســـا و مبتنی بر فشار حداکثری یا عملیات محدود است؛ الگویی که در آن نتیجه سریع، بازدارندگی فـــوری و تغییر رفتار طرف مقابل اولویـــت دارد. در مقابل، تهران بر تاب‌آوری بلندمدت، تحمل تحریم و محاصره، و توان ادامه فشـــار در بازه زمانی طولانی سرمایه‌گذاری کرده است.

همیـــن عدم تقارن در «افـــق زمانی» یکی از دلایل کنـــدی و پیچیدگی مذاکرات غیرمســـتقیم است. آمریکا می‌خواهد پرونده را در کوتاه‌مدت ببندد و هیـــچ امتیازی به ایران ندهد و ایران نیز چون دســـت برتر میدان را دارد قطعا زیربار زیاده‌خواهی آمریکا نمی‌رود.

ذخایر موشـــکی و توان آسیب‌زدن به زیرساخت‌های اقتصادی دشمن یکی از ترس‌های اساسی دشمن است. تهران معتقد است در حوزه تاب‌آوری، ذخایر موشـــکی و توانایی ایجاد اختلال در زیرساخت‌های حیاتی، دست برتر را دارد. سخنگوی سپاه از اهداف جدیدی مانند هفت کابل اینترنتی متصل‌کننده آسیا به اروپا سخن گفته است.

ایران می‌تواند نقاط درد اساســـی آمریـــکا و اقتصاد جهانی را هدف بگیرد. کابل‌های زیردریایی و تأسیســـات مرتبط با هوش مصنوعی، به دلیل وابستگی شـــدید اقتصاد دیجیتال و ارتباطات جهانی، اهداف بسیار حساسی هستند. اما باید توجه داشـــت که آســـیب به این زیرســـاخت‌ها نه‌تنها آمریکا، بلکه اقتصاد جهانی و کشـــورهای منطقه را نیز تحت تأثیر قرار می‌دهد و می‌تواند به انزوای بین‌المللی و پاسخ جمعی منجر شود. بنابراین «دست برتر» در این حوزه مشروط و پرریسک است، نه مطلق.

پاسخ پژوهشگر روابط بین‌الملل به بی‌بی‌سی: ایران اوکراین نیست و کسی برایش تصمیم نمی‌گیرد

در حالی‌که رســـانه‌های بیگانه در چارچوب سیاست‌های رژیم‌های آمریکا و اسرائیل تلاش می‌کنند با وارونه سازی واقعیت‌ها، ملت‌های آزاده را در چارچوب محاسبات خود تعریف کنند، یک استاد علوم سیاسی و پژوهشگر روابط بین‌الملل در پاســـخ به بی‌بی‌سی با رد نظریه‌ها و مدل‌سازی‌های کاذب گفت: ابزارپنداری ایران به عنوان کالای معامله میان قدرت‌های بزرگ، نه‌تنها یک اشتباه تحلیلی بلکه یک توهّم است.

وی همچنیـــن تأکید کـــرد: ایران کشـــوری مســـتقل و دارای اهرم‌های قدرت اختصاصی اســـت که هیچ قدرتی نمی‌تواند درباره سرنوشـــتش تصمیم بگیرد.

این پژوهشـــگر روابط بین‌الملل علاوه بر این خاطرنشان کرد: تفاوت زیادی میان ایران و اوکراین وجود دارد؛ اوکراین ابزاری در دســـت آمریکا و ناتو بود و با ائتلاف غرب، وارد جنگی بدون دستاورد شد اما ایران، مستقل و تنها در برابر آمریکا و اسرائیل ایستادگی کرد.

گفت و شنود

فامیل دور!

گفت: ســـایت خبری انتخاب با تحریف تیتر یک و گزارش مستند کیهان، بی‌آن که بداند از یک‌سو به هویت ضدانقلابی خود و مدعیان اصلاحات اعتراف کرده است و از سوی دیگر هویت وطن‌دوستانه و انقلابی کیهان را تأیید کرده است.

گفتم: چطور مگر؟ چی نوشته؟!

گفت: کیهان با تیتر یک «آقای پزشکیان در وزارت علوم چه خبر است»؟! به اســـتفاده از برخی افراد کم‌ســـواد و هتاک در جایگاه استادی و عادی‌سازی بی‌حجابی و چشم‌پوشی از صلاحیت‌های دینی و انقلابی در جذب اساتید اعتراض کرده بود و ســـایت انتخاب نوشـــته است؛ «کیهان اعتراض کرده چرا اساتید و مسئولان دانشگاه‌ها مطابق میل کیهان رفتار نمی‌کنند»؟!

گفتم: یعنی اعتراف کرده که کیهان طرفدار اســـاتید فرهیخته و انقلابی است و «انتخاب» و برخی دیگر از مدعیان اصلاحات طرفدار افراد کم‌سواد و ضدانقلاب هستند!

گفت: خیلی ناشیانه ســـعی کرده که رابطه خودش را با اساتید بی‌هویت پنهان کند!

گفتم: یارو از دور برای قبری فاتحه می‌خواند! پرسیدند؛ چرا از دور فاتحه می‌خوانی؟ گفت؛ به کسی نگو، فامیل دورمونه!

نکته

این ۷ از آن ۴۷ بزرگ‌تر است

۱- ابتدا بـــه این بخش از بیانات آقای شـــهید نگاهی بیندازید.

«اگر بنای بر تحریم باشد، در آینده این ملت ایران است که آنها را تحریم خواهد کرد. بیشـــترین سهم گاز دنیا در اختیار ماســـت، مال ملت ایران است. گازی که یک انرژی بسیار مهم و اثرگذار است و دنیا به آن احتیاج دارد. همین اروپای بیچاره احتیـــاج به این گاز دارد. این گاز در اختیار ماست. ما تحریم می‌کنیم آنها را در وقتی که مناسب باشد و جمهوری اسلامی می‌تواند این کار را بکند».

متاســـفانه، عمل به این توصیه رهبر شهیدمان اگرچه ســـال‌ها به تاخیر افتاد و در زمان لازم بـــه اجرا در نیامد -که بماند- ولی جنگ رمضان، به این توصیه فراموش‌شـــده جامـــه عمل پوشـــاند و تنگه هرمز که بـــه گفته حکیمانه رهبر معظم انقلاب «هدیه الهی اســـت» به روی کشتی‌های حامل نفت و فرآورده‌های نفتی و سایر کالای تجاری بسته شد.

۲- اعمال حاکمیت جمهوری اسلامی ایران بر تنگه هرمز که در دو کنوانســـیون بین‌المللی ژنو و جامائیکا به‌رسمیت شـــناخته شده است، موضوع یادداشـــت کوتاه پیش‌روی نیست. سخن درباره فشـــار اقتصادی سخت و شکننده‌ای است که استفاده از این اهرم بر دشـــمنان تابلودار ایران تحمیل کرده است و دامنه و عمق آن روزبه‌روز گسترده‌تر و عمیق‌تر می‌شود. تا آنجا که راه تنفس اقتصادی آمریکا و متحدان اروپایی و منطقه‌ای آن را بسته و به خفگی نزدیک کرده اســـت. به عنوان مثال دیروز بهای نفت خام برنت از ۱۱۷ دلار در هر بشکه نیز عبور کرد و این درحالی است که قیمت فیزیکی نفت به ۱۴۵ دلار هم رسیده است و به گفته مدیرعامل آرامکو، احتمال افزایش آن تا ۲۰۰ دلار نیز، دور از انتظار نیست. کارشناسان، افزایش نگرانی‌ها درباره ادامه اختلال در عرضه نفت خلیج‌فارس و تشـــدید تنش‌ها در تنگه هرمز و مخاطرات مربوط به زیرساخت‌های انرژی منطقه را از عوامل مؤثر در این جهش قیمت می‌دانند. گفتنی است که ادامه روبه گسترش اختلال در عرضه نفت؛ افزایش هزینه تولید بنزین، گازوئیل، حمل‌ونقل کالا، رکود کشـــاورزی و خدمات فراوان دیگر را نیز به دنبال داشـــته است. سه روز قبل «فارن افرز» نوشـــت، جغرافیا و مقاومت ایران نه فقط ماشین جنگی آمریکا را زمینگیر کرده است، بلکه آمریکا و متحدانش را با فشـــار اقتصادی فلج‌کننده‌ای نیز روبه‌رو ساخته اســـت. تا آنجا که نیویورک تایمز می‌نویسد، نیمی از مردم آمریکا به دلیل تبعات ناشـــی از این جنگ آن‌قدر فقیر شده‌اند که توان خرید مایحتاج ضروری زندگی خود را هم ندارند و....

این روزها شاهد تظاهرات مردم در آمریکا و شورش‌های گســـترده در برخی از کشورهای اروپایی هستیم که جنگ ترامپ را احمقانه می‌دانند و آثار ویرانگر آن را بر زندگی و معیشت خود محکوم می‌کنند و... این قصه سر دراز دارد!

۳- و اما، جنگ رمضان به وضوح نشان داد که ایران از قدرت مثال‌زدنی و توان پشـــیمان‌کننده‌ای برای مقابله با تحریم‌های ظالمانه آمریکا و اروپا برخوردار اســـت. قدرتی که تاکنون از آن غافل بودیم و تقریباً باید گفت که هیچ‌گاه مورد استفاده قرار نگرفته بود. خدای مهربان اما، در جریان جنگ رمضان از این اهرم قدرتمند رونمایی فرموده و نشان داده است که مانند همیشه، مردم پاکباخته ایران را در مقابل دشـــمنان خونریز تنها نمی‌گذارد. حالا به این نکته توجه کنید؛ آمریکا و متحدان اروپایی آن بیش از ۴۷ سال است که علیه مردم این مرز و بوم به انواع تحریم‌های وحشیانه و ظالمانه دســـت زده‌اند و اگرچه خســـارت‌هایی را باعث شده‌اند ولی مردم سلحشور کشورمان در مقابل تحریم‌های ظالمانه و ضدبشـــری آنها ایستاده و خم به ابرو نیاورده‌اند. اکنون به آن سوی ماجرا نگاهی بیندازید، آمریکا و متحدان اروپایی آن در حالی که فقط ۷ ماه (و نه ۷ ســـال) از تحریم ایران علیه آنها می‌گذرد، با چه فاجعه و خسارت سنگینی روبه‌رو شده‌اند. تا آنجا که وال‌استریت ژورنال می‌نویسد؛ ایران، با بستن تنگه هرمز، آمریکا را به زانو درآورده است. «کری بیتسوف»، مقام ســـابق وزارت خزانه‌داری آمریکا می‌گوید: محاصره دریایی، ارتش آمریکا را فرســـوده کرده و پهپادهای ارزان ایران، تسلیحات گران‌قیمت واشنگتن را به چالش کشیده‌اند! نیویورک تایمز در گزارش خبرنگاران خود از آمریکا و چند کشـــور اروپایی می‌نویسد: ایران در فاصله کوتاهی پس از بســـتن تنگه هرمز، اقتصاد آمریکا و اروپا را با چالش بزرگی روبه‌رو کرده است. تروئیکای اروپا که تا چند هفته قبل برای ایران شـــاخ و شانه می‌کشید، امروز به دریوزگی مذاکره آمده است و ده‌ها نمونه دیگر از این دســـت که به‌وضوح نشان می‌دهد، آثار ویرانگر تحریم ۷ ماهه ما علیه آمریکا و متحدانش، از تحریم ۴۷ ساله آنها علیه ما بســـیار فراتر و آسیب‌رسان‌تر بوده است. این‌طور نیست؟! البته که هســـت! و چه دلنشین و شورانگیز است سرودی که در تجمعات شبانه مردم خوانده می‌شود و مردم با ترجیع‌بنـــد «تنگه رو محکم بگیر» به تک‌تک گزاره‌های آن پاسخ می‌دهند.

حسین شریعتمداری

کیهان و خوانندگان

۳۳۱۱۰۰۶۵
ساعت ۳ تا ۶ بعدازظهر

* شهید سلیمانی خطاب به آمریکایی‌ها به صراحت اعلام کرده بود شما جنگ را آغـــاز می‌کنید، اما پایان آن را ما و ملت ایران رقم می‌زنیم و امروز نتیجه این سخن را در میدان مشاهده می‌کنیم. دشمن جنگ را با هدف تضعیف و فروپاشی جمهوری اسلامی آغاز کرد ولی مشاهده می‌کنیم ملت ایران در جنگ با آمریکا به پیروزی راهبردی دست یافته است.

شریعت

* در شرایطی که تنگه هرمز یکی از نقاط مهم در معادلات منطقه‌ای ایران است، موقعیـــت مقاومت یمن در باب‌المندب نیز می‌تواند در محاســـبات طرف مقابل درباره نحوه اعمال فشـــار بر تهران مؤثر باشد. از این جهت کنار زدن انصارالله از باب‌المندب تنها به معنای تضعیف یک موقعیت میدانی در یمن نیســـت، بلکه بخشـــی از روندی است که هدف آن افزایش فشار بر جمهوری اسلامی ایران از طریق تغییر موازنه در جغرافیای منطقه است. البته جمهوری اسلامی نیز می‌تواند با اســـتفاده از ظرفیت تنگه هرمز در خلیج‌فارس، هزینه‌های فشار بر انصارالله را برای جبهه سعودی - آمریکایی افزایش دهد.

بهادربیگی

* آنچه امروز در باب‌المندب می‌گذرد، نه یک عملیات نظامی ساده، بلکه آزمونی برای موازنه قدرت در منطقه است. انصارالله در سال‌های گذشته نشان داده که می‌تواند با تکیه بر توان داخلی و پشتیبانی محور مقاومت، در برابر سنگین‌ترین فشـــارها ایستادگی کند و دست برتر را در میدان حفظ کند. دشمنان مقاومت بدانند، هر روز بیش از گذشته در باتلاقی فرو خواهند رفت و خروج از آن، هزینه‌ای فراتر از تصور برایشان خواهد داشت.

مصطفوی

* کار انقلابی در این شرایط حساس، عمل به سخنان حکیمانه امام شهید انقلاب است که فرمودند ویروس بدبینی نباید ترویج بشود. ویروس بدبینی چیز بدی است.

نوریان

* دولت ترامپ با یک کارزار تبلیغاتی در رسانه‌ها می‌کوشد ایران را متقاعد کند که شکست این کشور حتمی است. ولی واقعیت این است که آمریکایی‌ها نمی‌توانند ایرانی‌ها را فریب بدهند در نتیجه در این کارزار هم شکست خواهند خورد.

سبزواری

* ترافیک فرستادگان بین‌المللی در تهران طی روزهای اخیر، تجلی عینی یک زلزله محاسباتی در اتاق‌های فکر و مراکز مطالعات امنیت ملی آمریکاست. ورود مقامات ارشد ارتش پاکستان به پایتخت ایران، آن هم درست در امتداد رایزنی‌های سرگئی لاوروف و همزمانی آن با پیام‌های مداوم از دوحه و مسقط، نشان می‌دهد که دکترین ۱۰ ساله غرب برای انزوای ژئوپلیتیک ایران بی‌ثمر گشته است.

عظیمی

* کارشناســـان و رســـانه‌های غربی اعتراف می‌کنند رفتار حاکمیتی جمهوری اســـلامی ایران دیگر در چارچوب یک بازیگر واکنشی قابل تحلیل نیست، بلکه تهران به مرحله تسلط کامل بر پله‌های نردبان تشدید بحران رسیده و اکنون از موضع قدرت مطلق، شرایط را بر غرب دیکته می‌کند!

فرمهینی

* نخست‌وزیر فرانســـه مهد آزادی! از حکومت نظامی و مقررات منع رفت‌وآمد اعمال‌شده در فرانسه به دلیل ناآرامی‌های جدی در پاریس و سایر شهرها حمایت کرده و آن‌را عامل آرام‌شدن نسبی اوضاع دانسته است!

طیبی

* یکی از وادادگان غربگرا اخیراً گفته که باید ترامپ را ببخشیم! آیا او چشم هم ندارد اقدام جنایتکارانه آمریکا در ترور قائد امت، مدرســـه شجره طیبه میناب، لامرد، ســـیریک و دیگر نقاط ایران عزیز، که در تاریخ کم‌نظیر به شمار می‌رود، را ببینـــد؟! این که قرآن می‌فرماید برخی کر، کور و لالند یکی از مصداق‌هایش امثال این آقاست!

نادری

* بر اســـاس توافق عراق و ایران برای اخـــراج گروهک‌های ضدانقلاب از عراق، پیشنهاد می‌شود با توجه به جنایت‌های بی‌شمار عناصر این گروهک‌ها، نسبت به تحویل به ایران برای اجرای حکم جنایت‌هایشان اهتمام ورزند.

قدیمی

* اندیشـــکده‌های راهبردی انگلیس تصریح می‌کنند مجتمع‌های نظامی غرب مانند لاکهید مارتین و ریتون، دست‌کم به ۵ تا ۷ سال زمان نیاز دارند تا بتوانند خلأ به وجود آمده در زرادخانه‌های موشکی سنتکام و متحد صهیونیستش را پر کنند! کفگیر آنها به ته دیگ خورده و به دنبال خرید زمان برای ترمیم هستند! مسئولان هشیار باشند و به دشمن امان ندهند.

صابری

* تحلیلگران مؤسســـه کوئینزی معتقدند؛ ایران نشـــان داد بدون نیاز به جنگ تمام‌عیار، کلید روشـــن و خاموش‌کردن اقتصاد مبتنی بر نفت خلیج فارس در دستان خودش قرار دارد؛ قدرتی که هرگونه مانور تبلیغاتی واشنگتن در آستانه زمستان و انتخابات کنگره را بی‌اثر و منجمد کرده است!

بیدی

* اتاق‌های فکر غرب اعتراف می‌کنند ارتش و نهادهای امنیتی پاکستان به این درک قطعی رســـیده‌اند که امنیت پایدار ملی و آینده اقتصادی آنها، نه در گرو دنباله‌روی از سیاست‌های پرهزینه سنتکام، بلکه در هماهنگی ساختاری با قدرت مســـلط منطقه یعنی جمهوری اسلامی ایران نهفته است! اینها بخشی از اثرات خون قائد شهیدمان و شهدای ماست.

توکلی

* جمهوری اســـلامی ایران با هماهنگی میان میدان و دیپلماسی، بازی دوگانه واشـــنگتن برای تحمیل مذاکره زیر آتش و خرید زمان برای بازســـازی پدافند فرسوده دشمن را به بن‌بست کشانده است.

کرمی

* ورود عاصم منیر به ایران، فقط نمایشی و برای کاهش قیمت نفت است. انتقال پیام را می‌توان حتی به صورت تلفنی هم انجام داد.

سفیددشتی

* رفتار ترامپ در این چند ماه، بیانگر تلاش او برای فرار از پذیرش یک شکست سیاســـی اســـت. ترامپ برای جلوگیری از شکست ســـنگینش در انتخابات، به پول‌پاشـــی روی آورده و وعده پرداخت ۵ هزار دلار «ســـود سهام ترامپ» به هر فرد بزرگســـال در صورت حفظ کنترل کنگره توسط جمهوریخواهان را مطرح کرده است.

بیگی

* انتخابات میان‌دوره‌ای برای جمهوریخواهان آمریکا در شرایطی نزدیک می‌شود که آثار جنگ رژیم یاغی و تروریست آمریکا علیه کشورمان مستقیماً وارد زندگی اقتصادی رأی‌دهندگان شده است. یعنی این که اختلال در هرمز و باب‌المندب، افزایش بهای نفت و سوخت را به یکی از مهم‌ترین کانال‌های انتقال هزینه جنگ به داخل آمریکا تبدیل کرده و هرچه جنگ طولانی‌تر شود، ترامپ و جمهوریخواهان در شرایط بسیار بدتری قرار خواهند گرفت.

حسن‌پور

* اوج‌گیری بهای سوخت باعث شده تا با بالا رفتن قیمت نفت، ترافیک دیپلماتیک میانجی‌ها به مقصد تهران سنگین شود. به همین خاطر سفر اخیر «عاصم منیر» نیـــز با هدف تنظیم بازار نفت و ایجاد تنفس مصنوعی برای ترامپ در آســـتانه انتخابات طراحی شده بود. اما دیدیم که با پاسخ قاطع مقامات جمهوری اسلامی ایران روبه‌رو شد و قیمت نفت به ۱۱۷ دلار رسید.

نعمت‌زاده

* گزارشی از سازمان اطلاعات مرکزی آمریکا (سیا) نشان می‌دهد رژیم صهیونی به‌دلیل ســـال‌ها جنگ و نسل‌کشی، با خطر جدی «جنگ داخلی» یا فروپاشی ساختار سیاسی مواجه است. این گزارش که بخش‌هایی از آن منتشر شده، نشان می‌دهد عوامل فشار شدیدی در میان یهودیان ساکن سرزمین‌های اشغالی شکل گرفته که می‌تواند به وقوع جنگ داخلی منجر شود. از جمله این عوامل می‌توان به بحران اقتصادی ناشی از افزایش سرسام‌آور هزینه‌های نظامی، خشم عمومی نســـبت به معافیت مردان یهودی حریدی از خدمـــت نظامی و تلاش بنیامین نتانیاهو، نخست‌وزیر وحشی رژیم صهیونی، برای حفظ قدرت در آستانه انتخابات اواخر اکتبر اشاره کرد.

کفترودی

* از آنجا که نتانیاهو نخســـت‌وزیر جنایتکار رژیم صهیونیستی تاکید زیادی بر مسئله ایران داشته، اعتبارش در اسرائیل غاصب تا حدود زیادی به پرونده ایران گره خورده است. با حمله نظامی به ایران نیز نتوانست به اهداف اصلی خود که خنثی کردن تهدید ایران از طریق نابود کردن توان هســـته‌ای و موشـــکی است دست یابد. فلذا همین امر، میزان انتقاد از این جنگ را در سرزمین‌های اشغالی افزایش داده است.

مصدق

* فرانسیس فوکویاما، مبدع نظریه «پایان تاریخ»، در یک گفت‌وگو اظهار داشته ترامپ باعث شـــد در پایان تاریخ بازبینی کنم. وی نتیجه‌گیری کرده که خطر راست افراطی در آمریکا از چپ رادیکال بیشتر است. وی افزوده که می‌دانستم که بیش از سی سال بعد، ثروت برای دونالد ترامپ کافی نخواهد بود.

طوسی